

# آموزش و پرورش و اقتصاد سالم

دکتر ناظمی اردکانی  
بازنویسی: دکتر احمد کلاهمال همدانی

عکاس: سیدرضا حسینی

اصلاح «الگوی مصرف»، طبیعهی اصلاح و تغییر نظام اقتصادی کشور است. در نظام فرهنگ اقتصادی اسلام، اصل بر تولید حداکثر و مصرف جامع و متعادل است که باید به اصل محوری در طراحی نظام اقتصادی تبدیل شود. در نظام مدیریت، مدل‌سازی و الگوسازی نقش اساسی دارد. در اقتصاد نیز چنین است. به ویژه اگر محور مصرف مدنظر باشد، بر اهمیت الگوسازی تأکید ویژه می‌شود. الگو یا مدل، مبتنی بر مفروضاتی است که در فکر و ذهن یک فرد یا جامعه ریشه دارد، و این زمانی است که باورها در قالب شکل و اندازه‌ی متناسبی قرار گیرند و دارای ساختاری منظم و حساب شده باشند. زمانی که این مفروضات به مدل تبدیل شوند، آن باورها و مفاهیم مهندسی شده‌اند. مصرف نیز باید در قالبی مناسب و متناسب با شرایط، اندازه‌ها و قالب و ساختار اجتماعی الگوسازی

شود. امروزه همه می‌دانیم که در کشور ما، الگوهای مصرف گوناگونی وجود دارند که اغلب آن‌ها با شرایط محیط اجتماعی و فرهنگی ما متناسب نیستند. بنابراین الگوهای موجود باید بازبینی و اصلاح شوند تا روند تحولات اقتصادی جامعه، روندی قابل قبول گردد. در صورتی که الگوهای نامتجانس و غیرمنظم همچنان پیاده‌سازی شوند، ضربات تدریجی اما بسیار عمیقی بر اقتصاد سالم و پویا وارد می‌آید و مجموعاً حرکت‌هایی شکل می‌گیرند که می‌توان از آن‌ها تحت عنوان اقتصاد زیرزمینی و یا اقتصاد پنهان نام برد. یکی از دلایل شکل‌گیری اقتصاد پنهان، ضعف در بنیان و ساختار اقتصاد ملی هر کشور است. طبیعی است که اصلاح الگوی مصرف، ابتدا در حوزه‌ی نظمی مورد توجه قرار گیرد و لازم است که با جدیت طراحی و مهندسی شود. آن‌گاه



اسلام از سوی این افراد، انتظاری بیهوده خواهد بود. آن‌ها براساس فرهنگ اقتصادی دیگری تصمیم خواهند گرفت که این تصمیمات خود می‌توانند بحران‌زا باشند.

در این میان، نقش نظام آموزش و پرورش به دلایل بسیار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نخست آن که حدود ۲۰ میلیون نفر تحت پوشش این وزارت‌خانه‌ی مهم و اساسی قرار دارند که بهره‌مندی آنان از الگوی صحیح مصرف می‌تواند، حرکتی انقلابی را در حوزه‌ی اقتصادی شکل دهد و سامانه‌ی اقتصادی کشور را به اهداف والای خود بسیار نزدیک کند. دوم آن که این نهاد اجتماعی مسئولیتی بنیادین و اساسی در فرهنگ‌سازی کشور دارد. شاید نتوان هیچ نهادی را به اندازه‌ی این وزارت‌خانه در فرهنگ‌سازی مؤثر و حتی مخرب یافت. مؤثر از آن‌رو که بنیان‌های فرهنگی ما در آن‌جا شکل می‌گیرد و مخرب از آن‌جا که اگر این تربیت اقتصادی، متناسب با شرایط اندیشه‌ای و اجتماعی و معیارهای زندگی ایرانی-اسلامی پیش نرود، انقلابی زیر پوستی شکل می‌گیرد که بنیان‌های همه‌ی باورها و اعتقادات را سست و در نهایت تخریب خواهد کرد. از این منظر، نقش آموزش و پرورش در اصلاح الگوی مصرف و در سالم‌سازی اقتصاد کشور اساسی‌ترین نقش می‌تواند باشد.

#### تولید بالا و مصرف کم

اقتصاد سرمایه‌داری و سایر مکاتب اقتصادی بنابر آموزه‌های خود، مصرف را موتور محرکه‌ی تلاش اقتصادی انسان فرض می‌کنند. این مکاتب معتقدند: انسان تا بدهکار نباشد، هرگز تلاش نخواهد کرد. بر همین اساس، انسان غربی باید برده‌وار تلاش کند، چرا که نیازهای مصرفی او شدت بخشیده شده‌اند و همواره به نظام بدهکار است و باید این بدهی را بپردازد. به عبارت دیگر، هرچه مصرف افزون‌تر باشد، زندگی اقتصادی‌تر و مشخص‌تر خواهد بود. این نقطه‌ی انحرافی در واقع به مصرف بدون منطق دامن می‌زند و اقتصاد سالم و پویا را در معرض خطر قرار می‌دهد.

در فرهنگ اقتصادی اسلام، خود تلاش اقتصادی و تولید موضوعیت دارد و عبادت دانسته می‌شود. در عین حال در این مکتب، مصرف هم به اندازه‌ی نیاز انسانی در جای خود موضوعیت دارد. یعنی اسلام برای مصرف اهمیت قائل است و درست مصرف کردن را نوعی عبادت تلقی می‌کند. بر نیازهای واقعی انسان در حوزه‌ی اقتصادی تأکید می‌ورزد و نسبت به نیازهای کاذب، بی‌اعتناست و برای آن‌ها ارزشی قائل نیست. قاعده در فرهنگ اقتصادی اسلام، بر تلاش حداکثر و مصرف به اندازه‌ی نیاز استوار است. برای مهندسی فرهنگی اقتصاد، این قاعده باید به عنوان قاعده‌ی اصلی لحاظ شود.

متأسفانه امروزه فرهنگ فعلی اقتصادی جامعه بر همان قاعده‌ی تولید بیشتر برای مصرف بیشتر استوار است و انگیزه‌های مادی تنها محرک

که بحث از اندیشه و نظر است، ما با حوزه‌ی فرهنگ سروکار خواهیم داشت. بی‌تردید، طرح الگوی مصرف در حوزه‌ی مهندسی فرهنگ قرار می‌گیرد که مقدم بر اقدام و عمل است. فرهنگ‌های مختلف، الگوهای مصرف و تولید متفاوتی را به بشر ارائه می‌دهند. هر کدام از فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها دارای باورهای زیرساختی در حوزه‌ی الگوی مصرف‌اند و براساس آن، روش‌هایی را برای خود انتخاب می‌کنند. بنابراین باورها و روش‌ها، مبنای شکل‌گیری الگوی مصرف هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند. به طور قطع فرهنگ اسلامی نیز الگوی مصرف خاصی را به جامعه ارائه می‌کند. در طول سال‌های گذشته، بخش‌هایی از این الگو به جامعه ارائه شده، اما با توجه به استقرار نظام جمهوری اسلامی لازم است که همه‌ی این الگو برای جامعه تبیین شود.

الگوها و مدل‌ها، ابتدا باید در حوزه‌ی نظر شکل بگیرند و طراحی شوند. سپس با تعامل با نظام اقتصادی، ساختار و نظام اقتصادی مطلوب بازسازی و مدیریت شود تا اصلاح الگوی مصرف پیاده‌سازی شود. اگر این الگوی مهندسی، طراحی و برای جامعه تبیین شود، اما نظام قدیمی اقتصاد بر کشور حاکم باشد، هرگز این الگو در کشور پیاده نخواهد شد. برای مهندسی فرهنگ اقتصادی، باید به منابع و آموزه‌های دینی رجوع کنیم، اصول اساسی مهندسی فرهنگ را برای اقتصاد اسلام از این منابع به دست آوریم و ذهن همه‌ی افراد جامعه را با این فرهنگ آشنا سازیم. اگر ذهن مسئولان دستگاه‌های اقتصادی با این فرهنگ آشنا نباشد، انتظار تصمیم‌گیری صحیح و براساس فرهنگ اقتصادی

از آموزش و پرورش کشور به

عنوان يك نهاد فرهنگي

انتظار مي‌رود. در

مهندسي فرهنگ

اقتصادي کشور

سهام بيشتري

برعهده

بگيرد



این اقتصاد محسوب می‌شوند. در چنین فرهنگی احتکار، انباشته کردن ثروت، کمک نکردن به دیگران، ضربه زدن به دیگران برای سود بیشتر، استفاده از هر ابزاری برای رسیدن به هدف، ربا، تولید کالایی که به ضرر انسان و سلامتی اوست، اعمال منافی اخلاق و... چون واجد سود است، پذیرفته می‌شود و نفی نمی‌شود. آموزش و پرورش می‌باید در تغییر این فرهنگ سست و غلط پیشتاز باشد و با آموزش‌های نظری و کاربردی بکوشد، فرهنگ اقتصادی سالمی را بر جامعه حاکم سازد.

انگیزه‌ی جامعه‌ی اسلامی برای پذیرفتن این اصل، انطباق رفتارهای جامعه‌ی مسلمان با هویت فرهنگ اسلامی است. الگو و مصداق کامل اصل تلاش حداکثر و مصرف در حد نیاز در فرهنگ اسلامی، امیرالمؤمنین است. ایشان در سال‌هایی که در حکومت حضور نداشتند، یک تولیدگر اقتصادی برتر بودند و در عین حال مصرف ایشان حداقلی و در حد ضرورت و متعادل بود.

#### الگوی مصرف و تأمین نیازها

اصل محوری دیگر در فرهنگ اقتصادی اسلام، و در واقع تعریف الگوی مصرف در این فرهنگ، تأمین نیازها به صورت جامع و متعادل است. آسیب‌زا بودن مصرف نامتعادل امری واضح است. انسان از خوردن و آشامیدن زیاد دچار آسیب می‌شود. یعنی انسان مسلمان باید شهوت خود را در تأمین نامتعادل نیازها کنترل و تنظیم کند. مفهوم عدالت، نخست در الگوی مصرف و تولید تعریف می‌شود. با دست‌یابی به دو اصل تولید حداکثر و مصرف در حد نیاز، مفهوم عدالت محقق خواهد شد و این حدها در آموزه‌های دین اسلام تعریف شده‌اند؛ چنان که حدود در عبادت، در کار و در استراحت مشخص شده‌اند.

براساس الگوی مصرف اسلامی، همه‌ی نیازهای افراد جامعه باید به صورت کامل، اما در حد و اندازه‌ی خودشان تأمین شوند. البته این نیازها به نیازهای مادی محدود نمی‌شوند و نیازهایی مانند نیاز به احترام و منزلت اجتماعی، نیاز به تکامل درونی و نیاز به علم‌آموزی و معرفت را نیز دربرمی‌گیرند. رشد جامعه فقط در صورت تأمین همه‌ی این نیازها میسر می‌شود. برای مثال، جامعه در دوران دفاع مقدس با رعایت بخشی از این الگوها به رشد و اعتلا رسید. یعنی گرچه ما با تمام توان در برابر دشمن ایستادیم و هزینه‌ی زیادی را تحمل کردیم، رشد و برداشت نیز داشتیم که ساخته شدن انسان‌هایی که از نظر رشد و تکامل انسانی به جایگاه والایی رسیدند، یا توانایی‌های قابل توجهی برای کمک به اداره‌ی جامعه پیدا کردند، از آن جمله است.

ساخته شدن انسان‌ها، به‌وسیله‌ی تأمین نیازهای آنان به صورت جامع و متعادل امکان‌پذیر می‌شود. واضح است که در دوران دفاع مقدس، نیازهای مادی رزمندگان به‌طور کامل و زیاد تأمین نمی‌شد، اما تأمین این نیازها تا حدودی در الگوی مصرف اسلامی انجام می‌شد.

آنچه که در مورد رزمندگان برآورده می‌شد، اما در مورد جوانان امروز برآورده نمی‌شود، نیازهای متعالی آنان، مانند نیازهای اجتماعی، احترام و خودشناسی بود. به همین دلیل، از میان مردم عادی و پایین جامعه، فرماندهان بزرگ و توانایی به وجود می‌آمدند.

متأسفانه امروز در جهت آن الگوها حرکت نمی‌کنیم. چرا که بسیاری از مدیران در جامعه با مدیریت مصرف از منظر اسلامی آشنایی لازم را ندارند و به همین سبب بر نیازهای مادی مردم تأکید و آن‌ها را شدت می‌بخشند. این وظیفه‌ی آموزش و پرورش است که مدیریت مصرف را بر مبنای آموزه‌های دینی و متناسب با شرایط و مقتضیات زمان به یادگیرندگان و مخاطبان خود بیاموزد تا هنگامی که عملاً وارد چرخه‌ی زندگی می‌شوند، دانش و مهارت لازم را برای مصرف بهینه داشته باشند. در تعامل مسئولین نظام با مردم، باید نیازهای آنان به صورت جامع و متعادل مورد توجه قرار بگیرد. زیرا تحریک نیازهای مادی و غریزی انسان‌ها کار ساده‌ای است و زمانی که روی این نیازها تمرکز شود، از نیازهای دیگر جامعه غفلت می‌شود و در این زمان، حتی با تأمین نیازهای مادی، رضایت در افراد جامعه شکل نمی‌گیرد.

حضرت امام (ره) در طول دوران دفاع مقدس، هرگز نیازهای مادی بسیجیان و رزمندگان را تحریک نکردند. بیشترین نیازی که امام (ره) تحریک می‌کردند، منزلت انسانی و نیاز به احترام بود که در جمله‌ی زیبای «هن بر دست و بازوی شما بوسه می‌زنم»، متجلی بود.

#### وظیفه‌ی مهندسی فرهنگی

در سال ۱۳۸۱، مقام معظم رهبری وظیفه‌ی مهندسی فرهنگی جامعه را برعهده‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی گذاشتند. متأسفانه با گذشت سال‌های زیادی از این موضوع کارهای جدی قابل اعتنائی، مانند «مهندسی فرهنگ اقتصادی جامعه» انجام نشده است تا مدیران کشور بتوانند براساس این فرهنگ، قانون و قاعده ایجاد و آن را عملیاتی کنند. بدون داشتن و تسلط بر فرهنگ اقتصادی اسلام، نظام‌هایی مانند نظام بانک‌داری، تلفیقی از فرهنگ اقتصادی اسلامی و غربی و در واقع مشرکانه خواهد بود. به همین سیاق، نظام توزیع و یا تولید درستی را نیز نمی‌توانیم طراحی کنیم.

چنین امر خطیری بدون حضور و مشارکت اندیشمندان مسلمان امکان‌پذیر نیست. همه‌ی این اندیشمندان در دانشگاه‌ها و حوزه‌ها باید تلاش کنند براساس مفروضات فرهنگ اسلامی، مدل و الگویی طراحی کنند و تا زمانی که از اجمال به تفصیل و از کلیات به جزئیات این فرهنگ نرسیم، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم مردم در عمل آن را رعایت کنند.

اولین بند سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم که توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شد نیز، به موضوع مهندسی فرهنگی اختصاص یافته است.

مطمئناً فرهنگ اقتصادی ما با فرهنگ اقتصادی رایج در جوامع غربی مبتنی بر مصرف حداکثر، سازگار نیست. در فرهنگ اقتصادی اسلام، تأمین نیازها باید بگونه‌ای باشد که سلامتی بدن و سلامتی فکر را تأمین کند و حتی بعضی از دستورات عبادی اسلام برای حفظ سلامتی وضع شده‌اند. با وجودی که در طول سال‌های بعد از انقلاب در فرهنگ اقتصادی جامعه تغییرات جدی ایجاد شده است، اما در دهه‌ی چهارم انقلاب، مجموعه‌ی تحولات و تغییرات باید جامع و کامل باشد و نمی‌توان بر تغییرات خرد و ذره‌ای اکتفا کرد. از این رو باید به مهندسی فرهنگ اقتصادی کشور پیش از گذشته توجه کرد و آن را در دستور کار همه‌ی نهادهای فرهنگی - آموزشی و نیز مالی - اقتصادی قرار داد. این میسر نمی‌شود مگر آن که تعاملی جدی و نظام‌مند و براساس معیارهای دینی، بین اندیشمندان مسلمان حوزه و دانشگاه از یک سو و نهادهای مذکور از سوی دیگر تحقق یابد.

باید در این زمینه نیز الگوهایی قابل پیروی به جهان اسلام ارائه کنیم و همان گونه که فرهنگ دفاع خود را به جهان منتقل کردیم و براساس آن مقاومت در نقاط گوناگون جهان اسلام به پیروزی منجر شد، در حوزه‌های دیگر مانند اقتصاد نیز باید چنین الگویی را به جهان ارائه کنیم. در زمینه‌ی رشد علمی نیز، الگوی ما مبتنی بر پیشرفت علمی جدی بدون حمایت و با مخالفت دنیای علمی موجود، برای بسیاری جوامع قابل ارائه خواهد بود که البته باید در معرض دید جهان قرار بگیرد. در واقع در این الگو، اراده‌ی انسان و رفتارهای عبادی، فرهنگی و تکلیفی وارد می‌شود.

بسیاری از دانشمندان ما با وجود امکان مهاجرت به غرب و بهره‌مندی از امکانات بیشتری که می‌توانند در اختیار بگیرند، به همان دلایل ذکر شده، از این کار صرف نظر می‌کنند. این افراد در واقع به جای رفتار اقتصادی، رفتار فرهنگی انجام می‌دهند. این به آن معناست که در این نظام فرهنگی تولید علم، به تولید علم از زاویه‌ی اقتصادی نگریسته نمی‌شود، بلکه به عنوان کاری برای اعتلای یک فرهنگ، منزلت جامعه و عرق ملی انجام می‌شود. در این میان، نقش آموزش و پرورش به دلیل گستردگی جمعیت و زیربنایی بودن آن در اداره‌ی کشور، فوق‌العاده اهمیت می‌یابد. آموزش و پرورش در این میان، نقش تولید فرهنگ و آماده‌سازی بستر

فرهنگ اقتصادی را بهتر از سایر نهادهای دیگر می‌تواند ایفا کند. به عبارت دیگر، از آموزش و پرورش کشور به عنوان یک نهاد فرهنگی انتظار می‌رود، در مهندسی فرهنگ اقتصادی کشور سهم بیشتری برعهده بگیرد. حضور این نهاد در چشم‌انداز فرهنگ اقتصاد می‌تواند بسیار پررنگ باشد و در واقع، این نهاد می‌تواند ساکنان دار هدایت فرهنگی اقتصاد کشور تلقی شود. یقیناً آموزش و پرورش باید با توجه به ظرفیت‌های موجود خود و انتظاری که از آن می‌رود، در ایجاد حمیت ملی برای مصرف بهینه و سالم‌سازی زیربنایی اقتصاد کشور نقش داشته باشد.

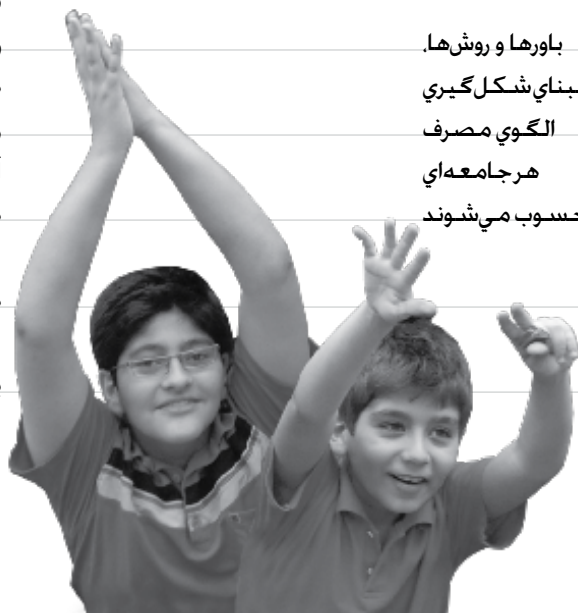
اگر نظام اقتصادی حاکم کم تولید و پر مصرف باشد، بدون شک اهداف چشم‌انداز محقق نمی‌شود. برای محقق شدن این اهداف، نظام اقتصادی باید مانند کوهنوردی که برای رسیدن به قله، کم حجم‌ترین تجهیزات و بیشترین تلاش را به کار می‌برد، باید پر تولید و کم مصرف باشد. تولید زیاد به معنی تلاش فکری و فیزیکی جدی است که باعث می‌شود، منابع ما در جایی که لازم است مصرف شود. از جمله، برای این که دچار ازدیاد یک محصول کشاورزی نشویم که حتی موجب جنجال و استفاده‌ی سیاسی شود، می‌توان مانند بسیاری کشورها در بعضی مناطق برای کاشتن آن محصول و در بعضی مناطق دیگر برای نکاشتن آن محصول، یارانه پرداخت کرد. چنین یارانه‌ای، نه تنها بر مصارف ملی نخواهد افزود، بلکه از این مصارف خواهد کاست. چرا که در هزینه‌ی حمل و نقل بسیاری از محصولات که از تولید آن‌ها تمرکززایی شده است، صرفه‌جویی خواهد شد.

به خاطر داشته باشیم که چشم‌انداز کشور برای ۲۰ سال تعیین شده و اتفاقاً مهم‌ترین عناصر آن، عناصر اقتصادی هستند که این حوزه به شدت تحت تأثیر فرهنگ اسلامی و دینی است. به عبارت دیگر، به نوعی چشم انداز ۲۰ ساله‌ی کشور نیز بر مبنای فرهنگ اقتصادی طراحی شده است. اگر می‌خواهیم اهداف این چشم‌انداز محقق شود، راهی نداریم جز آن که به فرهنگ اقتصادی توجه ویژه‌ای کنیم. در واقع منابع ما در جایی مصرف می‌شوند که ضرورت دارد و به شکلی بهینه به کار گرفته خواهند شد.

یکی از الزامات تحقق چشم‌انداز، بهره‌وری است و بهره‌وری یعنی درست انجام دادن یک کار درست. هر دوی این‌ها، یعنی کار درست و درست انجام دادن آن کار، مبتنی بر فرهنگ اقتصادی است و این مسئله اهمیت توجه به فرهنگ اقتصادی و وظیفه‌ی نظام فرهنگی را روشن‌تر می‌کند. به این منظور، باید سازمان‌های کشور را که برخی از آن‌ها با نظام طراحی شده در ۵۰ سال پیش عمل می‌کنند، مهندسی مجدد کرد تا این دستگاه‌ها بتوانند، با تولید بیشتر و مصرف کمتر و انجام کار درست، به اهداف چشم‌انداز نزدیک‌تر شوند. در واقع، الگوی مصرف باید در کارایی و اثربخشی افراد و نظام‌ها مطرح شود.

در نظام تولید علم و آموزش و پرورش، به خصوص در نظام اقتصادی، باید تحول ایجاد کرد تا انقلاب اسلامی استمرار پیدا کند. این کار به

**باورها و روش‌ها.**  
**مبنای شکل‌گیری**  
**الگوی مصرف**  
**هر جامعه‌ای**  
**محسوب می‌شوند**



تحرک ویژه‌ای نیاز دارد که از آن تحت عنوان نهضت نرم‌افزاری و یا نهضت تولید علم و اندیشه یاد می‌شود. تأکید مقام معظم رهبری در وهله‌ی اول بر حوزه‌ی نظر و فکر است و طرح و تشریح نهضت نرم‌افزاری نیز مبین همین موضوع است. امروز دانشمندان زیادی وجود دارند که گرچه تحصیل کرده‌ی نظام علمی غرب هستند، مشکل اصلی ناکامی اقتصاد غرب را علم اقتصاد غرب می‌دانند؛ همان‌گونه که برخی اندیشمندان غربی مانند فوکویاما نیز به همین نتیجه رسیده‌اند.

### تغییر در نظام اقتصادی

امروزه ظرفیت ارائه‌ی الگوهای اقتصاد نوین، توسط صاحب‌نظران متعهد اقتصادی کشور وجود دارد. خواسته‌ی مقام معظم رهبری، ایجاد تغییر در نظام اقتصادی فعلی است که اصلاح الگوی مصرف طلیعی آن است. برخلاف شیوه‌ی فعلی مصرف مسرفانه‌ی منابع کشور، باید در مصرف منابع وسیع‌تر کشور رسیک کمی را پذیرفت و برعکس، از منابعی که محدودترند، باید با پذیرفتن ریسک بالا و به‌کاربردن خلاقیت، بیشترین بهره‌ر را برد. در کنار نظام فرهنگ اقتصادی، نظام فرهنگی اجتماعی و حتی خود نظام فرهنگی نیز به مهندسی مجدد و باز تولید نیاز دارد. چرا که عملکرد دستگاه‌های فرهنگی جامعه هم‌افزا و موفق نیست.

آسایش در نظام اقتصادی تأمین می‌شود و آرامش در نظام فرهنگی است. رشد سرمایه‌ی انسانی در کشور ما بالاتر از همه‌ی کشورهای دنیاست. چرا که فرهنگ اقتصادی ما فرهنگ مناسب‌تری برای رشد انسانی است. با وجودی که در غرب به اقتصاد فرهنگ و تعامل آن با فرهنگ اقتصادی آن‌ها از فرهنگ است. در واقع اقتصاد فرهنگ آن‌ها با این دید طراحی شده است. با توجه به این که فرهنگ تأمین‌کننده‌ی نرم‌افزار نظام اقتصادی و تبیین‌کننده‌ی ارزش‌ها و اصول آن است، نظام اقتصادی باید سخت‌افزار نظام فرهنگی را تأمین کند. تبیین و تعیین شیوه و مدلی که براساس آن، نظام اقتصادی، سخت‌افزار نظام فرهنگی را تأمین کند نیز برعهده‌ی نظام فرهنگی است. رشد اقتصاد فرهنگ با رشد اقتصادی و رشد فرهنگ ملازم است و در واقع، رشد اقتصادی کشاورزی، صنعتی و تجاری، باید تابعی از رشد اقتصادی فرهنگ باشد. چرا که تعامل این دو، هم‌افزایی راهبردی و باارزشی در جامعه ایجاد می‌کند.

«وقف» در نظام فعلی اقتصادی ما متأسفانه موضوعیت ندارد و خارج از آن قرار گرفته است. با توجه به اصل تولید حداکثر و مصرف متعادل، وقف می‌تواند نقش زیرنظام اصلی و محوری را در کلان نظام فرهنگ اقتصادی اسلام بازی کند.

نظام مالیات برای تأمین هزینه‌های عمومی مردم، از غرب اقتباس شده است. در دین اسلام نیز، سه عنصر خمس، زکات و وقف وجود دارد. نمی‌توان هر دوی این نظام‌ها را اصل گرفت و به هر دو به یک شدت عمل کرد. این مسئله باید در نظام اقتصادی حل شود.

با توجه به این که نمی‌توان از مال غیر و مال حرام وقف کرد، اگر در نظام اقتصادی ما، معیار ارزش و تأثیر یک بنگاه یا فرد به میزان وقف آن بازگردد، آن‌گاه مسئله‌ی تأمین متعادل نیازها پیاده می‌شود. بعضی از بزرگان کشور که صاحب درآمد بالایی هستند، می‌توانند برای الگوسازی در این زمینه پیش‌قدم شوند. شایان ذکر است، یکی از استادان دانشگاه که مبدع فناوری جدیدی بود، درآمدهای حاصل از این فناوری را برای پژوهش در همان زمینه وقف کرد.

### برداشت‌ها و نتایج

از مجموع مطالب فوق می‌توان برداشت‌هایی کرد که در مسیر سالم‌سازی اقتصادی، ما را به اندیشه‌هایی اساسی مسلح می‌کنند:

۱. طراحی و ساخت مدل‌های اقتصادی و مهندسی مجدد اقتصاد کشور براساس فرهنگ اقتصادی اسلام، ضرورت فعلی جامعه‌ی ما برای پیش‌گیری از آسیب‌های اقتصادی و به ویژه فساد اقتصادی است.

۲. نظام سرمایه‌سالاری و حاکمیت آن بر اندیشه‌ی برخی اقتصاددانان و طراحان اقتصادی کشور، فساد زاست و در نتیجه، به جرم‌های مالی و اقتصادی منتهی می‌شود.

۳. مهم‌ترین عنصر در نظام اقتصادی کشور، طراحی الگوی مصرف براساس نگرش‌های اسلامی، هم‌چون تولید انبوه و مصرف کم و متعادل است.

۴. لازم است بر مبارزه با آسیب‌های اقتصادی، به ویژه شکل‌گیری اقتصاد پنهان، بر مبنای مهندسی مجدد اقتصاد بر مبنای فرهنگ اسلامی، یعنی مهندسی فرهنگی اقتصاد تأکید شود.

۵. امروز، به‌کارگیری فرهنگ اقتصادی اسلام هم‌چون خمس، زکات و وقف، و طراحی نظامی بر مبنای نیازهای روز و جست‌وجوی پاسخ مناسب برای آن‌ها از سیستم طراحی شده براساس فرهنگ نهفته در متون و منابع اسلامی، ضرورت دارد.

۶. نیاز است بر تولید دانش و اندیشه در حوزه‌ی اقتصاد بر مبنای فرهنگ اسلامی و جدایی‌گزینی از اقتصاد سرمایه‌سالاری به دلیل فسادزایی ذاتی آن، تأکید شود.

۷. معیارها و شاخص‌های اقتصادی باید بر مبنای الگوهای اسلامی موجود، هم‌چون اقتصاد اسلامی حاکم در زمان دفاع مقدس اخذ شود و بر به‌روزرسانی آن به تناسب مقتضیات و نیازهای اصیل امروزی تأکید شود.

۸. ضرورت دارد، در نظام اقتصادی و نگرش مهندسان و طراحان اقتصادی کشور، براساس فرهنگ اقتصادی اسلام تغییر و تحول به وجود آید.